

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 7, Autumn 2022, 415-439  
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.39366.2459

## A Critical Review on the Book "*Shohaz*"

Fatemeh Saedi\*, Zahra Hosseinabadi\*\*

### Abstract

"*Shohaz*" is a collection of essays by Abdul Salam Bozorgzadeh, a cultural activist in Sistan and Baluchestan province of Iran. This book has been written with the aim of introducing the arts and customs of the people of this region and examining the limitations surrounding the development of this province. The distribution of the Baluch population, as a native ethnic group in Iran, is more in the southern part of the province. The people of these regions have unique cultural characteristics in areas such as clothing, music, celebrations, language, and customs. So far, little has been done to record issues related to Balochistan culture and art. "*Shohaz*" book is one of the books that has tried to introduce and record the culture and art of this region. The purpose of the present study, while briefly introducing this book, is to formally critique and analyze its content in a descriptive-analytical manner. The results show that the present book has been successful in providing information about Baluchi art and literature. Lack of logical coherence between essays, unclear target audience, grammatical and spelling mistakes, use of other people's content without citation and weak content are some of the drawbacks of the book.

\* MA Student of Research in Art, Art and Architecture Faculty, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding Author), ss.fatemeh66@gmail.com

\*\* Associate Professor, Research in Art Department, Art and Architecture Faculty, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan, Iran, hosseinabadi@arts.usb.ac.ir

Date received: 2022-05-11, Date of acceptance: 2022-09-03



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۴۱۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۷، مهر ۱۴۰۱

Nevertheless, the author's cultural concerns and efforts to introduce Balochistan are acknowledgeable.

**Keywords:** *Shohaz*, Balochistan, Culture, Balochi Language, Indigenous Traditions

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال ۲۲، شماره ۷، مهر ۱۴۰۱، ۴۱۷ - ۴۳۹

## نقد و بررسی کتاب شوهاز

فاطمه ساعدی\*

زهرا حسین آبادی\*\*

### چکیده

شوهاز مجموعه‌ای از یادداشت‌های عبدالسلام بزرگ‌زاده فعال فرهنگی استان سیستان و بلوچستان است. این کتاب با هدف معرفی هنرها و آداب مردمان این منطقه و بررسی محدودیت‌های پیرامون توسعه این استان نگارش شده است. پراکندگی جمعیتی بلوچ به عنوان قومی اصیل در ایران بیشتر در بخش جنوبی استان است. مردمان این مناطق در زمینه‌هایی اعم از پوشش، موسیقی، جشن‌ها، زبان، آداب و رسوم شاخصه‌های فرهنگی منحصر به فردی دارند. تاکنون در زمینه ثبت مباحث مرتبط با فرهنگ و هنر بلوچستان ضعیف عمل شده است. کتاب شوهاز یکی از کتاب‌هایی است که سعی در معرفی و ثبت فرهنگ و هنر این منطقه داشته است. هدف از پژوهش حاضر، ضمن معرفی اجمالی این کتاب، نقد صوری و واکاوی محتوای آن به روش توصیفی - تحلیلی است. نتایج نشان می‌دهد کتاب حاضر در ارائه اطلاعاتی راجع به هنر و ادبیات بلوچی موفق بوده است. عدم انسجام منطقی بین یادداشت‌ها، جامعه هدف نامشخص، عدم رعایت اصول نگارشی، استفاده از مطالب دیگران بدون ارجاع دهی و ایرادات محتوایی از نقاط ضعف کتاب محسوب می‌شوند. در عین حال، دغدغه‌های فرهنگی نویسنده و تلاش او در معرفی بلوچستان قابل تقدیر است.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)، ss.fateme66@gmail.com

\*\* دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، hosseinabadi@arts.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

**کلیدواژه‌ها:** شوهاز، بلوچستان، فرهنگ، زبان بلوچی، سنت‌های بومی

## ۱. مقدمه

قوم بلوچ یکی از اقوام کهن ایران است که تمرکز جمعیتی آن‌ها در استان سیستان و بلوچستان بیشتر است. این استان در جنوب شرقی ایران واقع است و با پاکستان و افغانستان مرز مشترک دارد؛ دو کشوری که در طی تاریخ از ایران جدا شده‌اند و همین امر باعث شده است که پراکندگی مردمان بلوچ در این سه کشور بیشتر باشد. سرزمین بلوچستان که به لحاظ جغرافیایی دو منطقه مکران و سرحد را شامل می‌شود، در ایران به بخش جنوبی استان سیستان و بلوچستان اطلاق می‌شود. مردمان این مناطق از لحاظ پوشش، موسیقی، جشن‌ها، زبان، آداب و رسوم و غیره فرهنگ منحصره فردی دارند. بلوچ‌ها همیشه به بلوچ بودن و شجاعت خود در برابر دشمن افتخار می‌کنند (Syed, 2007: 82). جهانانگیده شرایط سخت زندگی در بلوچستان را از دلایلی دانسته که باعث شده زبان، نژاد و فرهنگ قوم بلوچ نسبت به سایر اقوام کمتر دچار دگرگونی شود؛ با این وجود، معتقد است که: «هندی‌ها به دلیل همسایگی و تازیان به دلیل مذهبی بر فرهنگ و نژاد این قوم تأثیرگذار بوده‌اند» (جهانانگیده، ۱۳۹۶: ۲۱). در عصر جدید توسعه ارتباطات باعث شده است تا فرهنگ سایر مناطق در میان مردمان این منطقه نیز جای باز کند و برخی از آداب و رسوم و همچنین زبان و موسیقی مردمان بلوچ دستخوش تغییراتی شود و از اصالت قدیم فاصله بگیرد. بنابراین، ثبت درست و دقیق این میراث فرهنگی اهمیت زیادی دارد.

در رابطه با بلوچستان مطالعات گسترده‌ای در ایران و کشورهای دیگر انجام شده‌است. در زمینه فرهنگ و تاریخ منطقه، حسینعلی بیهقی در مقاله «هنر و فرهنگ بلوچ» (نشریه هنر، ۱۳۶۴)، به بررسی تاریخ بلوچستان، زندگی و معیشت، هنر و صنایع دستی بلوچ‌ها پرداخته‌است. زهرا تقدس نژاد در مقاله «سیستان و بلوچستان» (رشد آموزش هنر، ۱۳۸۶) به صورت کلی از منظر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی دو منطقه بلوچستان و سیستان را مطالعه و آثار تاریخی شهر سوخته و صنایع دستی سراوان را به صورت اختصاصی بررسی کرده‌است. همچنین، سیما سلطانی در مقاله «اشتراکات فرهنگی - تاریخی بلوچ‌ها با سایر ایرانیان» (فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۸۳) قوم بلوچ، بلوچستان و ساکنین آن پیش از ظهور اسلام و اشتراکات فرهنگی قوم بلوچ با سرزمین مادری را بررسی کرده و موسیقی، شعر،

نقد و بررسی کتاب شوهاز (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۱۹

زبان و اعتقادات این قوم را عامل یگانگی با سایر اقوام ایرانی دانسته‌است. علیرضا سلیم‌زاده در مقاله «شناسایی ماهیت نژادی مردم بلوچ از سوی غربیان با اتکا بر مسائل فرهنگی، رویکردها و نقد» (مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۳۹۶) قوم بلوچ را ترکیبی ناهمگون از نژادهای آریایی، گُرد، آفریقایی، آلتایی، سامی، دراویدی و هندوی راجپوت دانسته‌است که عنصر ایرانی بالاترین سهم را در این نژاد دارد. در رابطه با زبان و ادبیات بلوچی نیز مطالعات وسیعی در ایالت بلوچستان پاکستان انجام شده و در ایران، محققان بومی از جمله عبدالغفور جهانانیده در تألیفات متعددی و همچنین در رساله دکتری خود به «بررسی و تحلیل شعر بلوچی و سنجش آن با شعر فارسی» پرداخته‌است و موسی محمودزهی نیز در زمینه ادبیات و شعر بلوچی پژوهش‌هایی ارائه داده و در مقاله «درآمدی بر زبان بلوچی» (ندای اسلام، ۱۳۷۹) ویژگی‌های زبان بلوچی را شرح داده و آن را از سری زبان‌های ایرانی معرفی کرده است. همچنین، او در کتاب «آیین‌ها، باورها و فرهنگ مردم بلوچستان» (۱۳۹۱) به مباحث قوم بلوچ، تاریخ و جغرافیای بلوچستان و همچنان آداب و رسوم مردمان این منطقه به صورت جامع پرداخته است. در زمینه آداب و رسوم مردم منطقه، عبدالسلام بزرگزاده در مقاله «جشن‌های مذهبی و محلی در بلوچستان»، (فرهنگ مردم ایران، ۱۳۹۲) به شرح و بررسی سه جشن پاک‌واجهی، هامین و عید قربان که قسمتی از کتاب شوهاز، اثر دیگر بزرگزاده، نیز به این مبحث اختصاص دارد، پرداخته‌است. الهام ملک‌زاده در مقاله «فرهنگ نوروز در میان قوم ایرانی بلوچ: میراث ناملموس به مثابه پل اتصال اقوام ایرانی» (فصلنامه مطالعات مردم‌شناختی، ۱۳۹۹) به بررسی نوروز و آداب و رسوم مرتبط با آن در بلوچستان پرداخته‌است و بخش زیادی از این مقاله از مطالب کتاب شوهاز و دیدگاه‌های عبدالسلام بزرگزاده گرفته شده است که خود جای بحث دارد و هدف این پژوهش نیز بررسی نقاط قوت و ضعف این کتاب است. گفتنی است که براساس بررسی نویسندگان این مقاله، تاکنون نقدی بر کتاب شوهاز نگاشته نشده است.

ضعف منابع مکتوب راجع به تاریخ، فرهنگ و هنر مردمان بلوچ، ممکن است به فراموش شدن این فرهنگ بیانجامد. به همین دلیل، پژوهشگران ایرانی آشنا با این فرهنگ، برای مکتوب کردن و انتقال آن به نسل آینده تلاش می‌کنند. عبدالسلام بزرگزاده یکی از این پژوهشگران است که در این زمینه فعالیت‌های گسترده‌ای داشته و سعی کرده است با نگارش کتاب شوهاز، برخی از نکات مرتبط با فرهنگ مردمان بلوچ را ثبت کند. کتاب شوهاز، که از معدود کتاب‌هایی است که به‌طور اختصاصی راجع به بلوچستان به فارسی

۴۲۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۷، مهر ۱۴۰۱

نوشته شده، بین نخبگان بلوچ با جبهه‌گیری‌های متفاوتی مواجه شده است. هدف از پژوهش حاضر، ضمن معرفی اجمالی کتاب، نقد و واکاوی محتوای آن به روش توصیفی - تحلیلی است. بدین منظور، در ادامه پس از معرفی ساختار آن، این کتاب از نظر شکلی و سپس از نظر محتوایی نقد شده است.

## ۲. ساختار کتاب

کتاب شوهاز، مجموعه مقالات (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ...) عبدالسلام بزرگزاده (فعال فرهنگی، اجتماعی و سیاسی استان سیستان و بلوچستان) و حاصل تلاش او از دهه شصت تا سال ۱۳۹۵ است؛ بعضی از مقالات این کتاب به صورت پراکنده در مجلات، روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی منتشر شده بودند. محمدگل کهرازه این کتاب را تهیه و تنظیم کرده و در سال ۱۳۹۵ توسط انتشارات نوروزی گرگان در ۱۷۹ صفحه به چاپ رسانده است.

کتاب شوهاز مشتمل بر پیشگفتار و هجده قسمت است. در پیشگفتار که به قلم آقای بزرگزاده نوشته شده، پس از معرفی تنوع اقوام و فرهنگ‌ها در ایران، راجع به فرهنگ و تاریخ بلوچستان بحث شده است و سپس، نویسنده این کتاب را جلد اول از پنج جلد مجموعه مقالات خود معرفی کرده که البته در زمان نگارش مقاله حاضر، تنها جلد منتشر شده از این مجموعه مقالات همین جلد اول است.

اولین یادداشت کتاب، زندگینامه عبدالسلام بزرگزاده به قلم محمدگل کهرازه (تنظیم‌کننده کتاب) است. براساس آنچه او نوشته، عبدالسلام بزرگزاده در سال ۱۳۴۴ در روستای زنگیان شهرستان سراوان متولد شده است. او تحصیلاتش را تا کارشناسی ارشد در رشته مهندسی مخابرات ادامه داد و همزمان نیز در صداوسیما ایران به عنوان مهندس فنی به کار مشغول بود. در کنار کار فنی، فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی هنری و ادبی (به‌ویژه، در حوزه فرهنگ عامه و شعر و موسیقی بلوچستان) انجام می‌داد و در تهیه چند برنامه رادیوتلوویزیونی همکاری می‌کرد. همچنین، از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۵ مدیرکل صنایع دستی سیستان و بلوچستان بود و پس از بازنشستگی از صداوسیما در سال ۱۳۸۹، بر فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی هنری خود تمرکز کرد. علاوه بر «شوهاز»، کتاب «خوراکی‌های سنتی بلوچستان» و دو مقاله «جشن‌های مذهبی و محلی در بلوچستان»

نقد و بررسی کتاب *شوهاز* (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۲۱

(۱۳۹۲) و «مراسم ازدواج در منطقه مکران بلوچستان» (۱۳۸۷) از دیگر آثار بزرگزاده‌آند که در آن‌ها منطقه بلوچستان از جنبه‌های مختلف بررسی شده است.

یادداشت دوم را محمدصدیق دهوری، پژوهشگر و کارشناس میراث فرهنگی سراوان، با عنوان «پژوهشگر و محقق نام‌آشنای بلوچ» نوشته و از عبدالسلام بزرگزاده به عنوان شخصیتی یاد کرده است که در معرفی فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم و صنایع دستی سیستان و بلوچستان نقش پررنگی دارد.

بخش‌های بعدی کتاب، یادداشت‌ها و مقالات بزرگزاده است. در مقاله «اصلی‌ترین قابلیت‌ها و مزیت‌ها، عمده‌ترین تنگناها و محدودیت‌ها و راهکارهای اجرایی توسعه استان سیستان و بلوچستان» مواردی همچون: وسعت زیاد استان، موقعیت جغرافیایی ویژه، منابع طبیعی، امکانات و قابلیت‌های فرهنگی اجتماعی ویژه، صنایع دستی، تنوع قومی و مذهبی، وجود انواع جاذبه‌ها و نخلستان‌های وسیع از اصلی‌ترین قابلیت‌ها برای توسعه استان سیستان و بلوچستان معرفی شده‌اند. سپس، به محدودیت‌های موجود در این استان اشاره شده است. در یادداشت بعدی، راجع به «جایگاه طنز در بلوچستان» صحبت شده و سپس، در انتهای آن، راهنمای خواندن متون زبان بلوچی به قلم علی‌اصغر رحماندوست به زبان فارسی نگارش شده است. مقاله بعدی با عنوان «سیر تحول شعر و ادبیات بلوچی» دو بخش دارد: تاریخچه کتابت و نگارش زبان بلوچی و سیر تحول شعر بلوچی. او دوره‌های شعر بلوچی را به سه دوره شعر کهن، شعر میانه و شعر جدید تقسیم کرده است. بزرگزاده در ادامه یادداشتی را به معرفی نیمای بلوچستان (استاد اشرف سربازی) اختصاص داده است. در مقاله «نوروز در بلوچستان» آمده است که بلوچ‌ها قبل از گرویدن به دین اسلام، آیین زرتشتی داشتند و مراسم نوروزی مردم این منطقه در همان آیین کهن باستانی ایران ریشه دارد. در ادامه مراسم هلک‌لدیی (halk ladi) (خانه‌تکانی و جابه‌جایی عشایر)، حلوای مدَر<sup>۱</sup> (madar)، کشک نوروزی و سوختن اسپند را به عنوان بخشی از مراسم نوروزی منطقه سرحد بلوچستان و همچنین نهال‌کاری، سرمه‌سای، جشن ختنه‌سوری و عروسی در ایام نوروز را نمونه‌ای از مراسم منطقه مکران معرفی کرده و شرح داده است. در پایان مقاله به زبان بلوچی به خوراکی‌های مخصوص بهار از قبیل شیرء گواتک<sup>۲</sup> (šir ō govātḱ)، کاهک<sup>۳</sup> (kāhok)، گون‌آپ<sup>۴</sup> (govānāp)، هیرا<sup>۵</sup> (hirā)، دانکو<sup>۶</sup> (dānkū)، و شگ<sup>۷</sup> (Vašag)، تُرپشک<sup>۸</sup> (toropšak)، پس<sup>۹</sup> (pes)، حلوا چانگال<sup>۱۰</sup> (halwā cāngāl) و حلوا مدَر اشاره شده است.

یادداشت بعدی با عنوان «جوایه عبدالسلام بزرگزاده در مورد سریال ماهین»، در پاسخ به نقدی که جامعه به پوشش مهرنگار ریگی بازیگر نقش اول سریال ماهین (māhin) وارد کرده بود، نوشته شده است. در یادداشت «نامه به استاندار»، درخواست‌هایی برای کنگره شب شعر بلوچستان، مجوز چاپ کتاب به زبان بلوچی، انتشار روزنامه به زبان بلوچی و از این دست در قالب نامه‌ای به استاندار وقت (علی اوسط هاشمی) مطرح شده است. در یادداشت «تأثیر موسیقی اقوام در ارتباطات و همبستگی بین ایرانیان»، بزرگزاده موسیقی را به عنوان ابزاری آمیخته با عواطف انسانی هنرمندانه، برای انتقال و بیان فرهنگ، تمدن و تاریخ یک قوم دانسته است. یادداشت بعدی مربوط به همکاری عبدالسلام بزرگزاده با تدوین طرح توسعه محور شرق (منطقه آزاد چابهار) است که بعد از بیان مطالب مقدماتی، طرح جامع کالبدی منطقه آزاد تجاری - صنعتی چابهار بررسی شده است.

در مقاله «معراج‌خوانی در بلوچستان»، از مراسم معراج‌خوانی به عنوان یکی از آیین‌هایی که مورد احترام تمام مذاهب اسلامی است یاد شده است. در پیشینه دین و آیین‌های مذهبی مردم بلوچ، به مهرپرستی و زرتشتی به عنوان دین قبل از اسلام و در بخش آیین پس از اسلام، به شیعه به عنوان اولین مذهب بلوچ‌ها اشاره شده است. در ادامه به جایگاه اهل بیت (ع) و اصحاب پیامبر (ص) در شعر و ادب بلوچ و سپس، به معراج‌خوانی در بلوچستان اشاره کرده و نمونه‌هایی از اشعار بلوچی مرتبط با بحث را آورده است.

بزرگزاده در یادداشتی، به اختصار، استاد ماشالله بامری، خواننده، نوازنده و پژوهشگر موسیقی بلوچستان، را معرفی کرده است. در یادداشت «در مورد شرح سریال شمبل و شاهی»، به عنوان ناظر کیفی سریال از مهمان‌نوازی و هنرپروری مردمان و مسئولین شهرستان سرباز تقدیر کرده است.

در مقاله «شهر و شهرنشینی در زبان بلوچی و فرهنگ بلوچستان» بزرگزاده بیان کرده که مفهوم شهر در منطقه سرحد و مکران به محل کشاورزی اطلاق می‌شده و شهر به مفهوم امروزی در مکران به کلات و در سرحد به هلک یا هنکین معروف بوده است. در یادداشت «راه‌اندازی یک فروشگاه صنایع دستی» توصیه‌هایی برای راه‌اندازی فروشگاه ارائه شده است. در مقاله «جشن‌ها و اعیاد بلوچستان»، بزرگزاده جشن‌های منطقه را به جشن‌های مذهبی، ملی و قومی، آیینی و ازدواج، برداشت محصول و کار و جشن‌های تحصیلی تقسیم کرده و سپس سه جشن پاک‌واجهی<sup>۱۱</sup> (pāg wājahi)، هامین و عید قربان را شرح داده است. در مقاله



نقد و بررسی کتاب *شوهاز* (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۲۳

«مراسم ویژه ماه مبارک رمضان»، ابتدا به مراسم رؤیت هلال ماه رمضان و سپس به تشریح آیین‌های مذهبی و فعالیت‌های مخصوص ماه رمضان در بین مردم بلوچ پرداخته است.

### ۳. نقد شکلی

#### ۱.۳ جلد کتاب (عدم همخوانی طرح با محتوا)

کتاب با قطع وزیری تقریباً با ابعاد (۲۳ × ۱۶/۵ سانتی‌متر) و جلد شومیز صحافی شده - است. از نکات ویژه این کتاب می‌توان به صفحه‌آرایی، حروف‌چینی، اندازه قلم، اندازه جملات و فاصله مناسب بین خطوط اشاره کرد که باعث می‌شود کتاب از دید بصری قابل قبول باشد. طرح جلد کتاب ترکیبی است از تصویر بزرگزاده در سمت چپ و نقش بلوچی بته، پارچه سوزندوزی شده با طرح گل شیدا و تصویری از صنایع‌دستی استان سیستان و بلوچستان (اعم از سوزندوزی، سکه‌دوزی، حصیربافی، گلیم بلوچ و سفال کلپورگان) در سمت راست و زیر عنوان *شوهاز*. این تصاویر در راستای محتوای کتاب نیستند و بهتر بود به تصویر نگارنده اکتفا می‌شد یا از تصاویری مرتبط با آداب و رسوم مردم بلوچ برای طراحی استفاده می‌شد. همچنین، نوار باریکی که در قسمت پایین تصویر بزرگزاده طراحی شده است با نقوش بلوچی دوزی همخوانی ندارد و از آن مهم‌تر، طرح آن به سوزندوزی‌های اوکراین نزدیک است و به نظر می‌رسد طراح جلد بدون توجه به بحث نقوش بلوچی از این تصویر استفاده کرده و در حاشیه تمام صفحات کتاب نیز این طرح تکرار شده است. در نگارش عنوان روی جلد، کلمه *شوهاز* در سمت راست و مجموعه مقالات (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ...) مهندس عبدالسلام بزرگزاده (فعال فرهنگی، اجتماعی و سیاسی استان سیستان و بلوچستان) در سمت چپ آمده است؛ بهتر بود توضیحاتی که زیر مجموعه عنوان اصلی محسوب می‌شوند به سبک صفحه مشخصات کتاب زیر عنوان اصلی «*شوهاز*» نوشته شود. از طرفی، با توجه به محتوای کتاب بهتر بود به جای «تهیه و تنظیم» از عبارت «به کوشش دکتر محمدگل کهرآزه» استفاده می‌شد. فاصله‌ای که بین واژه فرهنگی و ویرگول آمده است، ایراد ویرایشی محسوب می‌شود. از آنجا که زندگینامه ایشان در کتاب آمده است، توضیحاتی که بعد از نام عبدالسلام بزرگزاده (فعال فرهنگی، اجتماعی و ...) آمده، اضافی‌اند و برای جلد کتاب مناسب نیستند. همچنین، استفاده از واژه مهندس ضروری به نظر نمی‌رسد. در پشت جلد تصویری از شهرستان

ناهوک که در سال انتشار کتاب روستایی از توابع شهرستان سراوان محسوب می‌شده، آمده است و تنها به نوشتن «روستای ناهوک - سراوان» اکتفا شده و هیچ توضیحی در زمینه محتوای کتاب ارائه داده نشده است. از آنجا که برجستگی محتوای کتاب در زمینه فرهنگ، هنر، ادبیات و آداب و رسوم مردم منطقه است، تصویر پشت جلد که نمایی از معماری بومی منطقه و نخلستان و سبک زندگی مردمان منطقه ناهوک را به نمایش گذاشته، در راستای محتوای کتاب قرار دارد و تصویر مناسبی است.

### ۲.۳ فصل‌بندی نامناسب و جامع نبودن فهرست مطالب

همانطور که اشاره شد، شواهد شامل پیشگفتار و هجده مقاله و یادداشت است که به صورت پراکنده بدون فصل‌بندی آمده‌اند. در بیشتر موارد، عناوین به صورت کلی مطرح شده و در فهرست مطالب هیچ نشانی از زیرمجموعه‌هایی که در متن مربوطه ارائه شده‌اند، دیده نمی‌شود. بنابراین، یکی از برجسته‌ترین ضعف‌های این اثر، پراکندگی، عدم تقسیم‌بندی مناسب و عدم تطابق فهرست مطالب با متن کتاب است. بهتر بود برای هر مقاله، فصل جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شد و زیرمجموعه‌های آن در بخش‌های آن فصل قرار می‌گرفت تا عناوین مهم از دید خواننده‌ای که به فهرست مراجعه می‌کند، پنهان نمی‌ماند. با توجه به اینکه در عنوان کتاب عبارت «مجموعه مقالات» آمده اما هیچ‌کدام از نوشتارها مقدمه و ساختار مقاله ندارند.

### ۳.۳ ضعف در ارجاعات درون‌متنی و کتابنامه

کتاب در زمینه ارجاعات درون‌متنی بسیار ضعیف عمل کرده است. برای مثال، در مقاله معراج‌خوانی در بلوچستان در صفحه ۱۰۵، خواننده برای مطالعات بیشتر در خصوص پیشینه تاریخی بلوچ‌ها به صفحات ۳۹ تا ۴۱ کتاب حماسه‌سرایی در بلوچستان اثر عبدالغفور جهان‌دیده ارجاع شده و در صفحه ۱۰۶ زیر عنوان پذیرش دین اسلام و آیین پس از اسلام بلوچ‌ها، آمده است: «در همان منبع دکتر جهان‌دیده می‌نویسد: ...». در ادامه مطالبی آورده شده که ارجاع درون‌متنی دارند و نشان می‌دهد عین مطلب از همان کتاب گرفته شده و هیچ‌گونه ویرایشی صورت نگرفته است. در سطر دهم صفحه ۱۰۶ و سطرهای چهارم و هشتم صفحه ۱۰۸ ارجاعات درون‌متنی بدون ذکر سال انتشار اثر آمده‌اند. در پایان مقاله و

نقد و بررسی کتاب *شوهاز* (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۲۵

همچنین در انتهای کتاب هیچ اشاره‌ای به منابعی که در قسمت ارجاع درون‌متنی آمده‌اند، نشده است. بنابراین بهتر بود همانطور که مطلب از کتاب دکتر جهان‌دیده گرفته شده، ارجاعات یا کلا حذف می‌شد یا به صورت نقل قول غیرمستقیم با رعایت اصول ارجاع درون‌متنی نگارش می‌شد. در بسیاری از مقالات، اشعار بلوچی آورده شده است، اما هیچ‌کدام ارجاع درون‌متنی ندارند و مشخص نیست نگارنده مقالات از چه منابعی این اشعار را استخراج کرده است.

### ۴.۳ ضعف تصاویر (وجود تصاویر ضعیف و بی کیفیت)

در این کتاب، ۳۶ تصویر رنگی در مقاله جشن‌ها و اعیاد بلوچستان در رابطه با مراسم پاگ‌واجهی، جشن هامین (hāmēn) و عید قربان آورده شده است که برخی از تصاویر کیفیت مناسبی دارند و کیفیت برخی (به طور مثال، تصاویر شماره ۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۲۴، ۲۵ و ۲۷) پایین است. تصویر شماره ۱ عیناً با عنوان تصویر شماره ۲۷ تکرار شده است. در زیرنویس تمام تصاویر توضیحات مناسبی آورده شده ولی منبعی برای هیچ‌کدام از تصاویر ذکر نشده است. بهتر بود در زیر تصاویر یا در شناسه اثر، مشخصات عکاس ذکر می‌شد. از دیگر نقاط ضعف اثر، عدم ارائه تصویر برای فهم راحت‌تر خواننده در مقالاتی است که اصطلاحات بلوچی دارند. در قسمت انتهایی مقاله «نوروز در بلوچستان»، بزرگزاده خوراک‌های مخصوص فصل بهار را به زبان بلوچی نام برده است که اگر متناسب با هر خوراک، تصویری از آن ارائه می‌داد، این بخش از مقاله برای خوانندگان ناآشنا با زبان بلوچی قابل فهم‌تر می‌شد.

### ۵.۳ غلط‌های املائی و تایپی

غلط‌های تایپی و املائی در این اثر کم است، اما وجود دارد که عبارتند از: ژرف ← وژرف (ص ۷، س ۱۶)؛ دلایل ← لایل (ص ۲۸، س ۸)؛ آکادمی ← اکادمی (ص ۷۲، س ۱۱)؛ برقع ← برکه (ص ۸۳، س ۲۴)، برقع به معنای روبنده‌ای است که برخی از زنان بلوچ به صورت خود می‌بندند و به نظر می‌رسد به نگارش فارسی این واژه توجه نشده و در کتاب به همان صورتی نوشته شده که در زبان بلوچی تلفظ می‌شود؛ وانگهی ←

ونگهی (ص ۸۴، س ۷)؛ خاتم‌النبیین ← خام‌النبیین (ص ۱۰۴، س ۲۱)؛ فلات قاره ایران ← فلان قاره ایران (ص ۱۰۵، س ۱۸)؛ نعت پیغمبر ← نعمت پیغمبر (ص ۱۰۷، س ۴)؛ آیین شپتاکی ← آیین پشتاکی (ص ۱۱۰، س ۲۳)؛ ذول ← دصل (ص ۱۱۰، س ۲۱) و (ص ۱۱۱، س ۱۵)؛ هنرپروری ← هنرپروری (ص ۱۲۱، س ۹)، و جای ← چایی (ص ۱۲۳، س ۱۷).

### ۶.۳ ضعف‌های نگارشی (استفاده نادرست از علائم نگارشی)

در کتاب شوهاز در برخی موارد کلمات اشتباه و در مواردی جملات نامفهوم به کار رفته‌است؛ از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سطر ۱۵ صفحه ۳۶ «هم زمان با تاریخ و تمدن قوم بلوچی، شعر بلوچی نیز تاریخ دارد. توسط شعرای بلوچ سروده شده است»، به نظر می‌رسد نقطه اشتباه درج شده است و باید از حرف ربط «و» استفاده می‌شد؛ چون جمله دوم ادامه جمله اول است. از طرفی، جمله اول به لحاظ نگارشی رسا نیست. اگر منظور هم‌زمانی تاریخ قوم بلوچ و شعر بلوچی است، بهتر بود به صورت «تاریخ شعر بلوچی مصادف با تاریخ و تمدن قوم بلوچ بوده و شاعران بلوچ، شعرهای زیادی سروده‌اند».
- در سطر ۲ و ۳ صفحه ۳۸ از واژه «شاعره» استفاده شده است که در زبان معیار استفاده از این واژه صحیح نیست و بهتر بود بر پایه آیین نگارشی فرهنگستان به صورت بانوی شاعر بلوچ می‌آمد.
- در بند ۹ صفحه ۸۷ به واژگان «فارسی گو» و «بلوچی گو» اشاره شده است و بهتر بود از شاعر «فارسی سرا» و «بلوچی سرا» استفاده می‌شد.
- تکرار «زیرا» در دو جمله متوالی در سطرهای ۱۳ و ۱۴ صفحه ۸۸ ایراد نگارشی محسوب می‌شود و بهتر بود زیرای دوم حذف شود و دو جمله با حروف ربط به صورت رساتر به هم متصل شوند.
- در بند ۴ صفحه ۹۳ واژه تسهیل‌تر مناسب نیست و «تر» اضافه است.
- در سطر ۲۳ صفحه ۱۰۹ آمده است که «حجم زیادی از تعداد ابیات و شعرهای سروده شد. بلوچی به امام حسین (ع) اختصاص دارد»، جمله ایراد نگارشی دارد و

نقد و بررسی کتاب *شوهاز* (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۲۷

بهتر بود به این صورت آورده می شد که: «حجم زیادی از ابیات و شعرهای سروده شده بلوچی به امام حسین (ع) اختصاص دارد.»

- زیر عنوان مکان‌های معراج‌خوانی در صفحه ۱۱۰ آمده است: «بیشتر معراج‌خوانی‌ها ... توسط روحانیون خوش صدا یا بیت‌خوانانی که صدای خوبی دارند و اشعار معراج‌خوانی را حفظ بودند، خوانده می شود؛ افعالی که در جملات به کار برده شده‌اند به لحاظ دستوری و زمان جملات هم راستا نیستند. بهتر بود افعال یا زمان گذشته (داشتند، حفظ بودند، خوانده می شد) یا زمان حال (دارند، حفظ‌اند، خوانده می شود) به کار می رفت.

- برخی از جملات پارگراف دوم صفحه ۱۲۰ با زبان گفتاری نگارش شده‌اند و هیچ‌گونه همخوانی با سایر پارگراف‌های نوشتار مربوطه ندارند. در قسمتی از پارگراف، نگارنده از شعر «زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست» استفاده ولی به شاعر شعر اشاره نکرده و همچنین، شعر را درون گیومه قرار نداده است.

- ناهماهنگی در جلدنویسی و سرهم‌نویسی واژه‌های مرکب به وفور در متن دیده می شود؛ برای مثال: «بزرگ‌زاده، بزرگ زاده» در تیرهای صفحات ۱۱ و ۱۳، «بکار، به کار» در سطر ۹ و ۱۰ صفحه ۲۸، «دیوان جاه، دیوانجاء» در عنوان صفحه ۱۴۸، «میرسد و می کنند» در سطر ۱۷ و ۱۵ صفحه ۱۳۴، «بلوچها، بلوچ‌ها» در سطر اول و پارگراف آخر صفحه ۱۰۶ و مواردی از این دست که بسیار تکرار شده‌اند.

- در چندین مورد، واژه «می باشد» به جای «است» به کار رفته است؛ برای مثال، «در مرحله چاپ می باشد» در سطر ۱۴ صفحه ۷ یا «از جمله این شخصیت‌ها می باشد» در سطر ۳ صفحه ۱۳.

- در سطر ۴ و ۱۳ صفحه ۱۱ و سطر سوم صفحه ۱۲، «گردید» به جای «شد» به کار رفته است: «موفق به اخذ دیپلم ریاضی گردید»، «منسوب گردید» و موارد دیگر.

- عدم رعایت قواعد فاصله‌گذاری بین واژگان و علائم سجاوندی از قبیل: ویرگول، نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و سایر علائم، که به دلیل تکرار از ابتدا تا انتهای کتاب از ذکر شماره سطر و صفحات خودداری شده است.

### ۷.۳ نبود منبع و پیوست

هیچ‌گونه پیوستی نه در پایان مقالات و نه در پایان کتاب وجود ندارد. زبان اصلی کتاب فارسی است، ولی واژگان، متن‌ها و اشعار بلوچی زیادی در بین مطالب گنجانده شده است. لازم بود برای اینکه خواننده از کتاب به صورت کامل بهره‌بردار، در قسمت پیوست عبارات بلوچی به فارسی برگردانده می‌شد.

### ۴. نقد محتوایی اثر

#### ۱.۴ بررسی تناسب محتوا

کتاب شوهاز از انسجام درونی و نظم لازم برخوردار نیست و ترتیب یادداشت‌ها به شکلی است که به یک‌باره ذهن مخاطب را از یک موضوع به موضوعی دیگر که هیچ ارتباطی با هم ندارند، پرتاب می‌کند و این امر باعث می‌شود تا خواننده به خواندن کتاب ادامه ندهد. واژه شوهاز (šohāz) واژه‌ای بلوچی و آن‌طور که جهان‌دیده در فرهنگ بلوچی - فارسی آورده، به معنای «جستجو، پژوهش، طلب و کسب است» (جهان‌دیده، ۱۳۹۸: ۱۶۷۴). این واژه در کنار مجموعه مقالات، عنوان کتاب را تشکیل داده است و چنین انتظار می‌رود که محتوای کتاب متناسب با عنوان باشد و یکی از مهم‌ترین ایرادات کتاب، همین عنوان مجموعه مقالات است؛ چرا که بسیاری از مطالب کتاب، از قبیل: «جوایه عبدالسلام بزرگزاده در مورد سریال ماهین»، «نامه به استاندار»، «در مورد وفات استاد ماشالله بامری» و «در مورد شرح سریال شمبل و شاهی»، یادداشت‌های سطحی و بدون منبع‌آند و صرفاً اطلاعاتی‌اند که بزرگزاده از طرف خود به مخاطب عرضه می‌کند.

#### ۲.۴ بررسی اخلاق علمی در بخش محتوا

در کتاب شوهاز، متونی به زبان بلوچی آمده که نویسنده آن علی‌اصغر رحماندوست، آموزگار و پژوهشگر زبان بلوچی، است و با اینکه در انتهای دو متن نام ایشان آورده شده، اما در قسمت شناسنامه اثر از ایشان به عنوان نویسنده بخش بلوچی نامی برده نشده است. درست است که در قسمت پیشگفتار از افراد بسیاری که در این مسیر همراه نگارنده کتاب بوده‌اند، قدردانی شده است؛ اما به نظر می‌رسد در محتوای مقالات، مخصوصاً مطالب

نقد و بررسی کتاب *شوهاز* (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۲۹

مرتبط با بحث ادبیات و شعر بلوچی، با توجه به اینکه بزرگزاده متخصص این مباحث نیست، بدون اینکه به کتاب، مقالات و حتی اسامی نویسندگان اشاره کند، مطالب سایر بزرگان این عرصه را انتقال داده است. این امر باعث می شود، در ذهن خواننده این شبهه پیش آید که نگارنده، مطالب را به طور مستقیم از اندوخته های علمی خویش آورده است، هم اخلاق علمی حکم می کند که مطابق با استانداردها حقوق سایر مؤلفین رعایت شود و هم این امر باعث می شود تا مطلب مورد نظر با نقل از افراد متخصص اعتبار بیشتری پیدا کند.

### ۳.۴ زبان و شعر بلوچی

در مقاله «سیر تحول شعر و ادبیات بلوچی»، بزرگزاده بدون اینکه مبانی نظری، اهمیت و تاریخچه ای از زبان بلوچی بیاورد، وارد بحث تاریخچه کتابت و نگارش زبان بلوچی شده است و این مورد، جامع بودن مقاله نامبرده را با نقص مواجه کرده است.

راجع به تاریخچه بلوچستان و زبان بلوچی می توان گفت که براساس بررسی های باستان شناسی، تمدن بلوچستان به هزاران سال قبل از میلاد برمی گردد و این منطقه دارای نهادهای اجتماعی - سیاسی، فرهنگی، مذهبی و سنتی بوده است (Baloch, 2010: 43/44). بلوچ ها خود را وارث فرهنگی باستانی که دارای نظام ارزشی با هنجارهای اجتماعی مشترک بوده است، می دانند (Jan Muhammad, 2007: 04). بلوچستان پل ارتباطی هند و آسیای غربی (سلیم زاده، ۱۳۹۶: ۱۴۶) و طبق اسناد سومری و اکدی، در ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد بین منطقه دجله و فرات و سرزمین هایی به نام دیلمون و ماکان و ملوخوا رابطه تجاری برقرار بوده است که احتمالاً ماکان همان مکران فعلی باشد (Spooner, 1988: 15). از دیگر اسم های این منطقه می توان به ماسیا (همت، ۱۳۷۰: ۶۵) و ماکا (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۱۴) اشاره کرد. این منطقه در طول تاریخ، شاهد کشمکش های طولانی با حکومت های مختلف بوده و این عوامل باعث شده است تا «بلوچستان به دلیل تقسیمات فرهنگی، جامعه متعادلی نباشد» (buzdar and buzdar, 2012: 8).

براساس آنچه که در شاهنامه آمده قوم بلوچ در حوالی گیلان کنونی سکونت داشتند (نقدس نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱) و اسناد تاریخی، زبان بلوچی را از سری زبان های ایرانی معرفی کرده اند که «از گروه لهجه های شمالی ایران شمرده می شود» (ناتل خانلری، ۱۳۷۴: ۱۵۴) و «به خانواده زبان های هندواروپایی متصل می گردد» (محمودزهی، ۱۳۷۹: ۲۴). زبان های

ایرانی در طی تاریخ دچار تغییراتی شده‌اند، اما بلوچی بیش از سایر شاخه‌های زبان باستانی توانسته است اصالت خود را حفظ کند. در این زمینه، محمودزهی به نقل از آگنس کورن (Agnes Korn) استاد دانشگاه فرانکفورت و محقق زبان‌های هندواروپایی آورده‌است: «بلوچی برای مطالعه تاریخ زبان‌های ایرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا (برخلاف سایر زبان‌های ایرانی امروزی) کمتر دچار تغییر بوده و مستقیماً منعکس‌کننده زبان قدیم است» (Korn et al. 2019: 21). و بیشترین تأثیرپذیری را از زبان فارسی دری داشته است؛ در این باره جهان‌دیده آورده است:

زبان بلوچی به دلیل همسایگی بلوچ‌ها، با خراسان بزرگ، و ارتباطات دینی و تجاری و سیاسی آن‌ها با آن سرزمین، از زمان‌های دور تحت تأثیر زبان فارسی دری بوده است. البته واژه‌های تازی بسیاری از طریق زبان فارسی، در زبان بلوچی، راه یافته‌اند اما بسیاری از آن واژه‌ها، تلفظ و معنی تازی خود را از دست داده‌اند. زبان بلوچی از زبان‌های دیگری مانند، اردو، براهویی، سندی و... تأثیر پذیرفته و واژه‌هایی را از آن‌ها وام گرفته است (جهان‌دیده، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

در رابطه با تاریخ زبان بلوچی نمی‌توان نظری قطعی داد، اما در برخی از آثار محققان خارجی اشعار بلوچی دیده می‌شود که قدمت آن‌ها به قرن پانزدهم میلادی می‌رسد. در این مورد رمضان بامری، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کراچی، آورده‌است:

مورخان تاریخ زبان و ادبیات بلوچی، چنین بیان می‌کنند که پیش از قرن نوزدهم میلادی عمده ادبیات بلوچی به صورت شفاهی بوده و از نسلی به نسل دیگر سینه به سینه منتقل شده است، قدیمی‌ترین دست‌نوشته‌های زبان بلوچی که باقی مانده‌اند احتمالاً مربوط به اوایل قرن هفدهم میلادی می‌باشند، اگر چه تعداد آن‌ها بسیار اندک است، ولی با تحقیق و بررسی در مناطق مختلف بلوچستان می‌توان نسخه‌های خطی بیشتری به دست آورد (بامری، ۲۰۱۵: ۷۰).

و می‌افزاید:

پس از استقلال کشور پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی بلوچ‌های محقق، گردآوری موضوعات مختلف و کتابت کتاب‌های ادبی، تاریخی و ... را شروع کردند و حجم قابل توجه‌ای از میراث تاریخی و ادبی خود را جمع نمودند، در این زمان زبان و ادبیات بلوچی، جان تازه‌ای گرفت (بامری، ۲۰۱۵: ۳۷).



نقد و بررسی کتاب *شوهاز* (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۳۱

راجع به شعر بلوچی، بزرگزاده در شوهاز و در یادداشت «نیمای بلوچستان» در صفحه ۶۸ از شعر «بیا منی چمروک...» (biā mani cam rōk)، که در سال ۱۹۶۲ میلادی در ماهنامه اولس کویته چاپ شده است، به عنوان اولین شعر نو به زبان بلوچی یاد کرده و گفته است: «اولین شعر نو به زبان بلوچی، رسماً در ماهنامه معتبری به نام ماهنامه اولس (بلوچی) که از طرف روابط عمومی حکومت بلوچستان در ایالت بلوچستان پاکستان منتشر می‌شد، به چاپ رسید و شاعر و سراینده آن محمداشرف علیزایی، معروف به اشرف سربازی بود. تا قبل از انتشار این شعر، هیچ‌گونه اثری از شعر نو به زبان بلوچی که جایی چاپ شده باشد یا به صورت دست‌نویس جمع‌آوری و در کتابخانه یا موزه‌ای نگهداری شود، یافت نشده است. به این ترتیب استاد اشرف سربازی، بنیانگذار شعر نو، به زبان بلوچی می‌باشد و می‌توان ایشان را پدر شعر نو بلوچی دانست و نیمای بلوچستان لقب داد.» با این حال، پیشینه شعر نو بلوچی به سال ۱۹۵۳ برمی‌گردد و آزاد جمالدینی و عطا شاد اولین شاعران بلوچی هستند که شعر نو سروده‌اند. در این زمینه صبا دشتیاری می‌گوید: «آزاد جمالدینی از شعرای معاصر بوده که کتاب مستین توار (mastēn tawār) از ایشان در زمینه شعر نو در سال ۱۹۵۳ چاپ شده است» (دشتیاری، ۱۹۹۰: ۷۴). در مقاله‌ای دیگر نیز آمده است: «از میان همه شاعران مدرن بلوچ، آزاد جمالدینی به عنوان بنیانگذار «شعر نو بلوچی» بسیار مورد احترام است» (Ahmed, 2021: 3). در صفحه ۷۹ کتاب *گلکاره چکنکار* (golkār o cakankār)، صبا دشتیاری شعر «سمند ترندین» (samand tōrōndēn)، شعری نو از آزاد جمالدینی، را آورده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که پیشینه شعر نو در زبان بلوچی به قبل از شعر «بیا منی چمروک...» برمی‌گردد، در حالی که نویسنده کتاب شوهاز اشرف سربازی را بنیان‌گذار شعر نو بلوچی دانسته است.

«زبان فارسی در کنار زبان بلوچی، از زبان‌های ادبی بلوچستان بوده و این منطقه، شاعران فارسی‌سرای زیادی داشته است» (جهاندیده، ۱۳۹۰: ۱۰۵). در ایالت بلوچستان پاکستان، بیش از ۵۰ شاعر بلوچ به فارسی شعر سروده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به شاه-مرید درفشانی، فیض محمد کلاتی، ملامحمد حسن، میرزا احمدعلی، میر مولاداد، غوث بخش خاکی، ملا نبی جان چتویی، رسول بخش راهی، منشی ڈرمحمد شیدا، عابد شاه عابد، غلامحیدر شاه حنفی، ملا اسماعیل فولآبادی، ولی محمد پنجگوری اشاره کرد (Ali, 2020: 12). در حالی که بزرگزاده فقط به نام بردن شعرای فارسی‌سرای بلوچ ایرانی اکتفا کرده است.

#### ۴.۴ طنز در بلوچستان

در یادداشت «طنز در بلوچستان»، بزرگزاده گفته‌است:

در بلوچستان موضوع طنز، بسیار متفاوت‌تر از سایر جوامع است. یکی از دلایل اصلی این تفاوت بار معنایی و مفهومی طنز در فرهنگ و ادبیات بلوچ است. کلمه طنز در ادبیات بلوچ اکثراً همراه با کلمه شِگان (شگام: طعنه) به کار می‌رود (ص ۲۸).

او در این مطلب، طنز را برابر واژه بلوچی شِگان (šēgān)، که به معنی طعنه زدن و منت گذاشتن همراه با کنایه است، در نظر گرفته و از معنای ادبی طنز که به منظور اصلاح عیوب اجتماعی و فردی در قالب نوشتاری می‌آید، غافل بوده و حتی پرداختن به این موضوع را عاملی برای خون و خونریزی در منطقه دانسته است. در فرهنگ بلوچی - فارسی برای واژه شگام آمده‌است: «احسان یا نیکی و لطف خود را که درباره کسی کرده‌اند به رخ او کشیدن، منت گذاری، طعنه و سرزنش» (جهان‌دیده، ۱۳۹۸: ۱۶۴۵). نگاه بزرگزاده در این مبحث کاملاً غیرعلمی به نظر می‌رسد. کتابت ادبیات بلوچی پیشینه زیادی ندارد و بررسی مقالات آکادمیک زبان بلوچی این را نشان می‌دهد که تاریخ کتابت این زبان به سال‌های ۱۸۴۰ میلادی برمی‌گردد؛ اما حتی در ادبیات عامیانه افراد پیشکسوت و مسن بلوچ که هنوز در قید حیات هستند به وضوح استفاده از عبارات ادبی بلوچی از قبیل، کنایه، استعاره، ضرب‌المثل و ازین دست در قالب طنز به چشم می‌خورد. علاوه‌براین، عبدالله روانبد پیشینی<sup>۱۲</sup>، از شعرای برجسته بلوچستان، اشعاری در قالب طنز اجتماعی سروده‌است؛ برای مثال، شعرهای طنز «کم زائین جنین» (روانبد، ۲۰۱۰: ۵۵۴) و «مرد نالائق» (همان: ۵۶۰). در شعر اول، عدم بلوغ فکری و اجتماعی زن و در شعر دوم، معضل اعتیاد مرد خانواده را در قالب شعر طنز سروده و به مشکلات متعددی که خانواده و اجتماع پیرو این شرایط با آن روبه‌رو می‌شوند، اشاره کرده‌است.

بنابراین، «بلوچ‌ها در ادبیات خود، برای بیان تجربیات و انتقال دانش خود به نسل‌های بعدی در کنار دیگر انواع ادبی، به طنز هم پرداخته‌اند» (محمودزهی، ۱۳۹۷: ۶). در زبان بلوچی، طنز در دو قالب نظم و نثر ارائه می‌شود. از نظر محتوایی نیز، جهان‌دیده طنز در شعر بلوچی را به دو گونه تقسیم کرده است: گونه اول طبق تعریف شفیع کدکنی «تصویر هنری اجتماع نقضین و ضدین» است که شاعرانی چون جی آر ملا، عطا شاد و تاج محمد طاهر چنین شعر سروده‌اند و پیام آنها انتقاد از فریب برخی عالمان ریاکار است و گونه دوم

نقد و بررسی کتاب *شوهاز* (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۳۳

همان جنبه عام طنز و هدف آن بیان انتقادهای فرهنگی و اجتماعی است که از شاعران این گونه طنز به عابد آسکانی، اکرم صاحب خان، احمد دهانی و مولوی روانبد می توان اشاره کرد (جهانزیده، ۱۳۸۸: ۲۴۵-۲۴۷).

محمودزهی در رابطه با طنز در ادبیات معاصر بلوچی گفته است:

به نظر می آید در ادبیات معاصر بلوچی، کامل ترین مجموعه طنزها مربوط به عابد آسکانی باشد. وی با درکی عمیق از جامعه بلوچستان و با زبانی ساده و شاعرگونه، آثاری بدیع در ادبیات بلوچی معاصر آفریده که شنونده را به وجد آورده و به درکی از زندگی روزمره با زبان طنز می رساند (محمودزهی، ۱۳۹۷: ۹).

با توجه به نظرات محمودزهی و تخصص او در زمینه ادبیات، چنین برداشت می شود که با وجود تازه بودن جایگاه طنز در ادبیات مکتوب بلوچی، ایشان با دیدگاه بزرگزاده، که طنز و نقد را عامل تخریب و تهدید نویسنده دانسته بود، مخالف است. در ادبیات معاصر بلوچی نیز آثار طنز زیادی از نویسندگان بلوچ منتشر شده و مورد توجه خوانندگان واقع شده است.

در پایان این مقاله، خواننده با دو مطلب «درباره شوهاز» به زبان بلوچی و سپس «راهنمای خواندن متون زبان بلوچی و مهم ترین علائم نوشتاری در کتاب حاضر» مواجه می شود که هر دو به قلم علی اصغر رحماندوست نگاشته شده اند و هیچ ارتباطی به مبحث طنز و جایگاهش در بلوچستان ندارند. بهتر بود این دو قسمت به صورت پیوست می آمد یا حذف می شد.

#### ۵.۴ موسیقی بلوچی

بلوچستان در زمینه موسیقی سنتی دارای فرهنگی غنی است و در واقع، موسیقی دانان بلوچستان روایت کننده تاریخ قوم بلوچند (بیهقی، ۱۳۶۴: ۴۶۵). در گذشته این موسیقی فاصله ها و تزییناتی داشته که می توان آنها را با برخی از ویژگی های مشابه در موسیقی شناخته شده به نام ایران مقایسه کرد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۴۲). موسیقی بلوچی از نظر ریتم و ملودی و سازهای مخصوص منطقه از تنوع بالایی برخوردار است از میان آنها می توان به:

ترانه‌های ستایش بلوچی، سپت<sup>۱۳</sup> (sepat) و نازینک (nāzēnag)، آهنگ‌های عاشقانه (داستانقه<sup>۱۴</sup>)، مرثیه‌ها، موتک (mōtk)، لالایی‌ها (لیلو (lēlō)، ترانه‌های عروسی و ختنه، هاله (hāla) و لادو (lādō)، ترانه‌های جدایی، زهروک (zahirōk)، لیکو<sup>۱۵</sup> (likkō) و دهی (dēhi)، و حماسه (شعر) و همچنین دسته‌های غیر بلوچی، مانند آهنگ‌های ماهیگیران، امبا (ambā) و لوا (lawaā). آهنگ‌های شفابخش، گواتی (gōwāti)، شکی (šeki)، شیرجا (šeparjā) و مالد (māled)؛ آهنگ‌های آیین زگری «چوگان (cōgān)» و صوت (Frishkopf, 2006: 165).

اشاره کرد. بزرگزاده فقط به زهروک، صوت، نازینک و گواتی اشاره کرده و سایر سبک‌های موسیقی بلوچی را نادیده گرفته است. او، همچنین، از قیچک به عنوان ساز قدیمی بلوچستان یاد کرده و توضیحاتی را ارائه داده است؛ اما به سایر سازهای این منطقه از قبیل «بنجو، رباب، دونلی<sup>۱۶</sup>، تنبورک، دهلک، دونلی و سازهای ضربی دوکور، کوزه و طشت، سه تار، قلم، یعنی نی پنج بند و هفت بند، سرنا، دهل معمولی، دهل کوچک (که صدای بمی دارد)، دیمبک و رباب یا هیجده تار» (سربازی، ۱۳۷۸: ۱۲۸) اشاره‌ای نداشته است. این موضوع باعث شده است نوشتار مربوطه دچار نقص محتوایی باشد.

#### ۶.۴ جشن‌ها در بلوچستان

در بلوچستان، به مناسبت‌های مختلف (قومی، ملی، مذهبی، برداشت محصول، عروسی و تولد فرزند) جشن‌های زیادی برگزار می‌شود (بزرگزاده، ۱۳۹۲: ۶۸). جشن نوروز عبارت است از برگزاری آیین‌های نوروزی که از اسفند شروع می‌شود و تا فروردین ماه ادامه دارد (ملک‌زاده، ۱۳۹۹: ۴۸). در مقاله «نوروز در بلوچستان» آمده است که

بلوچ‌ها نیز همچون سایر اقوام ایرانی، بهار طبیعت و شکوفه‌های غنچه‌های بهاری را گرامی می‌دارند و در این ایام علاوه بر جشن و سرور و شادی و برپایی مراسم عید نوروز و عید طبیعت، آداب و رسوم ویژه و خاصی را در این ایام خجسته برگزار می‌کنند (ص ۷۴).

در ادامه به شرح مراسمی در مناطق سرحد و مکران پرداخته است. نقدی که به این بخش وارد می‌شود عدم پژوهش جامع در ارتباط با این مبحث در بین تمام مردم بلوچ است. باید توجه داشت که نحوه زندگی و آداب و رسوم بلوچ‌های مناطق سرحد و مکران

نقد و بررسی کتاب *شوهاز* (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۳۵

با هم متفاوت است (بیهقی، ۱۳۶۴: ۴۴۹). تاریخ کشور پاکستان به یک قرن هم نمی‌رسد؛ اما هیچ آثاری از برپایی جشن نوروز در بین بلوچ‌های آن خطه دیده نمی‌شود. از طرفی، تمام مواردی که بزرگزاده به عنوان جشن نوروزی از آن‌ها یاد کرده، بر جشنی به نام نوروز دلالت نمی‌کند؛ بلکه فعالیت‌هایی هستند که به فصل بهار مربوط می‌شود. برای مثال، جابه‌جایی محل سکونت عشایر در فصل بهار ارتباطی به نوروز باستانی ندارد و در تمام سرزمین‌ها رایج بوده است و همچنین از جشن‌های عروسی و ختنه‌سوری در این ایام نام برده که برگزاری این مراسم در هر زمان از سال مرسوم است، به‌ویژه، در فصل بهار و تابستان که هوا مناسب‌تر است. همین نقد نسبت به خوراک‌هایی که به نوروز مرتبط دانسته است (از قبیل سوروشگ<sup>۱۷</sup> (sōrōšag) و کشک و انواع دسرهایی که نام برده) وارد است. نکته حائز اهمیت در اینجا این است که مردم بلوچ نه سفره هفت سین دارند و نه آتشی برپا می‌کنند و نه مراسمی برای تحویل سال نو دارند. در حالی که این مراسم علاوه بر ایران در سایر کشورها که جشن نوروز را پاس می‌دارند هر ساله برگزار می‌شود.

در مقاله «جشن‌ها و اعیاد در بلوچستان» زیر قسمت «جشن‌های آیینی و ازدواج»، از جشن تکلیف هم نام برده شده است؛ در حالی که چنین جشنی در بین فرهنگ بلوچ‌ها وجود ندارد و یکی از جشن‌هایی است که همچون سایر مناطق ایران در مدارس برای دانش‌آموزان برگزار می‌شود. بزرگزاده در رابطه با این جشن در صفحه ۱۳۷ آورده است: «به مناسبت رسیدن به سن تکلیف و انداختن اولین دندان در هفت سالگی»؛ این که انداختن اولین دندان را مصادف با سن تکلیف دانسته‌اند، سخن درستی نیست؛ همچنین، برای همه محرز است که هفت سالگی، سن تکلیف دختران و پسران نیست و آداب و رسوم که خاص جشن تکلیف در این منطقه باشد گزارش نشده است. همین نقد به جشن عید قربان و جشن‌های تحصیلی مذهبی نیز وارد می‌شود؛ چون این آیین‌ها اسلامی‌اند و در تمام سرزمین‌های اسلامی برگزار می‌شود و از آن دست فرهنگ‌هایی نیستند که مختص جامعه بلوچستان باشد. در قسمت یافته‌های تحقیق و ارائه گزارش در صفحه ۱۷۲، موسیقی و رقص محلی دوچاپی را در تمام جشن‌ها مشترک دانسته و از آن به عنوان نماد شادی، جشن و عید نام برده است؛ در حالی که در امور دینی و مذهبی، موسیقی جایگاهی ندارد و خود بزرگزاده نیز در بخش مراسم مرتبط با عید قربان اشاره‌ای به موسیقی و رقص محلی نداشته است و این موضوع نسبت به جشن‌های فارغ‌التحصیلی نیز تسری پیدا می‌کند.

## ۵. نتیجه‌گیری

با وجود مطالعات وسیعی که در زمینه شرق‌شناسی انجام شده راجع به منطقه بلوچستان که دارای تمدن‌های کهنی چون مهرگره و جیرفت بوده است، ضعیف عمل شده و قوم بلوچ یکی از گمنام‌ترین اقوام ایرانی به شمار می‌رود. تلاش برای شناخت و معرفی این فرهنگ و نیز برای ثبت آن اهمیت زیادی دارد و باید بیش از پیش باشد؛ اما در کنار کمیت باید به کیفیت آثار نیز توجه داشت. بزرگزاده در مقالات خود سعی داشته با مکتوب کردن یافته‌های میدانی از جامعه بلوچستان برای حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده گامی بردارد و این حرکت فرهنگی، در جایگاه خود بسیار ارزنده است.

با وجود اینکه شواهد مجموعه‌ای از یادداشت‌هایی است که به‌صورت پراکنده جمع‌آوری شده‌اند. بخش‌هایی از آن همانند معراج‌خوانی در بلوچستان، جشن‌ها و اعیاد بلوچستان، نوروز در بلوچستان، سیر تحول شعر و ادبیات بلوچی و مفهوم شهر در زبان بلوچی، گرچه از نظر محتوایی نقص دارند، اما به خواننده اطلاعات ارزنده‌ای می‌دهد. با این حال، مهم‌ترین ایرادی که می‌توان به این کتاب وارد کرد عدم انسجام و نظم منطقی بین یادداشت‌ها به لحاظ موضوعی است. ضعف در فصل‌بندی کتاب به قدری پررنگ است که می‌تواند خود عاملی بازدارنده برای ادامه مطالعه کتاب توسط خواننده محسوب شود. با توجه به اینکه بزرگزاده کتاب شواهد را جلد اول از پنج جلد معرفی کرده است، بهتر بود تا مباحث براساس موضوع تقسیم‌بندی می‌شد و هر موضوع را در یک جلد می‌گنجاند. هرچند از سال ۱۳۹۵ تاکنون جلد دیگری چاپ نشده است؛ اما کنار هم قرار گرفتن موضوعات سیاسی و توسعه استان در کنار ادبیات و فرهنگ بلوچ ارزش کتاب حاضر را پایین آورده است.

بزرگزاده در برخی از یادداشت‌ها نگاهی بین‌المللی داشته و قوم بلوچ را جامعه هدف قرار داده است و در برخی از مباحث دیدگاهی محدود و سرزمینی دارد. این امر باعث می‌شود تا خواننده دچار سردرگمی شود که مباحث مطرح شده فقط به بلوچ‌های ایرانی اختصاص دارد یا به تمام قوم بلوچ سوای اینکه در کدام سرزمین سکونت دارند. عدم رعایت اصول نگارشی، استفاده از مطالب دیگران بدون ارجاع دهی، ناقص بودن محتوا در بیشتر یادداشت‌ها و اتکای بر دیدگاه‌های شخصی در برخی از مباحث از دیگر نقاط ضعف کتاب به شمار می‌رود. آنچه که این کتاب را متمایز ساخته، پرداختن به موضوعاتی است که

نقد و بررسی کتاب شوهاز (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۳۷

کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است و می‌تواند دریچه‌ای باشد برای پژوهشگرانی که به موضوعات مرتبط به بلوچستان علاقه‌مندند تا از میان موضوعات این کتاب، هر چند به صورت کلی و پراکنده، بینشی به دست آورند و این حرکت ارزنده را برای حفظ فرهنگ‌های بومی ادامه دهند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. حلوی سرشیر، خرما و آرد ذرت
۲. نوعی گیاه کوهی مختص فصل بهار
۳. نوعی گیاه کوهی منطقه که به همراه بانه و نان خورده می‌شود.
۴. بانه که ساییده شده تا روغن پس بدهد و به همراه آب داغ و ادویه‌جات و نان خورده می‌شود.
۵. مخلوطی از گندم و شیرترش که به همراه خرما استفاده می‌شود.
۶. گندم تفت داده شده
۷. هسته گواتام که با شیر ترش جوشانده و خشک می‌شود و به همراه دانکو خورده می‌شود
۸. هسته گواتام و بانه جوشانده شده با شیر ترش
۹. آرد دانه جو دودی
۱۰. حلوی خرما، روغن و نان محلی
۱۱. تاج‌گذاری در طایفه، پاگ به معنی عمامه و واجه به معنی سرور و سردار
۱۲. زاده روستای باهوکلالت چابهار و از بزرگان عرصه فقه
۱۳. به معنی تمجید و ستایش
۱۴. نوعی شعر عامیانه که داستانی عاشقانه را بیان می‌کند.
۱۵. شعر تک‌بیتی بلوچی با مصراع‌های هم‌قافیه و وزن هجایی
۱۶. شامل دو عدد نی نر و ماده است.
۱۷. نوعی دسر که از شیر گوسفند تازه فارغ‌شده تولید می‌کنند.

## کتاب‌نامه

- بامری، رمضان (۲۰۱۵)، *تاریخ زبان و ادبیات بلوچی*، کراچی: مکتبه ندوی.
- بزرگزاده، عبدالسلام (۱۳۹۲)، «جشن‌های مذهبی و محلی در بلوچستان»، فرهنگ مردم ایران، س ۹، ش ۳۴.
- بزرگزاده، عبدالسلام (۱۳۹۵)، *شوهاز، تهیه و تنظیم محمدگل کهرازه*، گرگان: انتشارات نوروزی
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۴)، «هنر و فرهنگ بلوچ»، نشریه هنر، س ۵، ش ۱۰.
- تقدس‌نژاد، زهرا (۱۳۸۶)، *سیستان و بلوچستان، رشد آموزش هنر*، س ۵، ش ۱۲.
- جهان‌دیده، عبدالغفور (۱۳۸۸)، *بررسی و تحلیل شعر بلوچی و سنجش آن با شعر فارسی*، پایان‌نامه دکتری، تهران: گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- جهان‌دیده، عبدالغفور (۱۳۹۰)، «تاثیرپذیری زبان و ادب بلوچی از زبان و ادبیات فارسی و ارتباط واژگانی آن‌ها»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، س ۱، ش ۱.
- جهان‌دیده، عبدالغفور (۱۳۹۶)، *منظومه مکران (سروده مولوی محمدعبدالله روانبد پیشنی)*، تهران: انتشارات شیخ شرفی.
- جهان‌دیده، عبدالغفور (۱۳۹۸)، *فرهنگ بلوچی - فارسی*، تهران: انتشارات معین.
- دشتیاری، صبا (۱۹۹۰)، *گلکاره چکنکار*، کراچی: بهارگاه پبلی کیشنز.
- سربازی، اشرف (۱۳۷۸)، «موسیقی بلوچ برخاسته از عمق تاریخ»، نشریه مقام موسیقایی، س ۲، ش ۵.
- سلطانی، سیما (۱۳۸۳)، «اشتراکات فرهنگی تاریخی بلوچ‌ها با سایر ایرانیان»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۵، ش ۱.
- سلیم زاده، علیرضا (۱۳۹۶)، «شناسایی ماهیت نژادی مردم بلوچ از سوی غربیان با اتکا بر مسائل فرهنگی، رویکردها و نقد»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، س ۱۱، ش ۲۱.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۷۴)، *باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- محمودزهی، موسی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر زبان بلوچی»، *ندای اسلام*، س ۱، ش ۲.
- محمودزهی، موسی (۱۳۹۱)، *آیین‌ها، باورها و فرهنگ مردم بلوچستان*، تهران: آبنوس.
- محمودزهی، موسی (۱۳۹۷)، «طنز در ادبیات معاصر بلوچی (مطالعه موردی مجموعه طنز «چشمین شوم» شانزده» اثر عابد آسکانی)»، فصلنامه اورمزد، س ۱، ش ۲.



نقد و بررسی کتاب شوهاز (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۳۹

ملک زاده، الهام (۱۳۹۹)، «فرهنگ نوروز در میان قوم ایرانی بلوچ: میراث ناملموس به مثابه پل اتصال اقوام ایرانی»، فصلنامه مطالعات مردم شناسی، س ۲، ش ۱.  
روانبد، محمد عبدالله (۲۰۱۰)، دیوان بلوچی مولانا عبدالله روانبد، به تصحیح عبدالرئوف ملازئی سربازی، امارات: الغریر.  
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۴۷)، زبان شناسی و زبان فارسی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.  
همت، محمود (۱۳۷۰)، تاریخ بلوچستان، تهران: انتشارات گلی.

- Ahmed, Shoaib (2021), "The Literary Impacts of T. S. Eliot on Balochi Literature", Annual Research Journal of *Balochi Academy*, Vol. 10, No. 1.
- Ali, Akbar (2020), "Persian Poetry of The Baloch Poets", Annual Research Journal of *Balochi Academy*, Vol. 9, no. 1.
- Baloch, Farooq Gh (2010), "Swastika: In the Light of Facts", *Balochistan Review*, Balochistan Study Centre, University of Balochistan, Vol. XXVIII, No.2.
- Buzdar, Wahid Bukhsh and Shafiq-ur-Rehman Buzdar (2012), "A Trend Maker In Modern Balochi Poetry", Annual Research Journal of *Balochi Academy*, Vol. 1, No. 1.
- Dashti, Jan Muhammad (2007), "An Introduction of Baloch Culture", In A Baloch Perspective, Quetta: Aasap Publications.
- Frishkopf, Michael (2006), "Music of Makran: Traditional Fusion from Coastal Balochistan", *Asian Music*, Vol. 37, No. 2 : <DOI:10.1353/amu.2007.0002>
- Mahmoudzahi, Mousa, Agnes Korn and Carina Jahani (2019), "Synchronically unexpected /n/ in the Balochi dialect of Iranshahr", *Orientalia Suecana*, Uppsala Universitet, Vol. 62-68 :<DOI: 10.33063/diva-389901>
- Spooner, Brian (1988), Baluchistan: Geography, History, and Ethnography, *Encyclopædia Iranica*, Vol. 3, Issue. 6:<[https://repository.upenn.edu/anthro\\_papers/127](https://repository.upenn.edu/anthro_papers/127) >
- Syed, Javed Haider (2007), "The Baloch Resistance Literature Against the British Raj", *Pakistan Journal of History & Culture*, Vol. XXVIII, No.1.